

اعلامیه

فحاش کیست و فحشخانه کدام است؟

خوانندگان محترم:

در داستان دنباله داری زیر عنوان " به جواب " شبنامه نویسنده...." بخش(45) منتشره به تاریخ 15 اکتوبر در سایت " افغانستان آزاد" موسوی در صفحه دوم این ورق پاره ها چنین می نویسد: "..... پای "جوره" بدلی در میان نبوده و "جوره" اصلی به همان کش و فش وحتا با همان ادبیات غلط و غلو ط ودریک نوشته ای که تاریخ نشر آن هم معلوم نیست، از طرف فحشخانه مربوط به " آهن زنگ زده" که به علاوه ادعای پولاد بودن از عفت قلم و اخلاق انقلابی هم حرف می زند؛ چرندیاتی را سر هم نموده "....."؛ در همین صفحه دوم درجایی دیگری موسوی چنین یاهه گوئی می کند: "..... از قرار معلوم آقای "جوره" که به مانند سایر جواسیس وکلاشها، از قماش "حسین جاسوس"، " صادق دنی" و "آهن زنگ زده" خود را مائوئیست هم می داند...."؛ همچنین در صفحه(6) این ورق پاره ها موسوی خاینانه اتهام می زند: "..... در عوض برایشان پیشنهاد می نمایم(در اینجا منظور "جوره" است- تبصره از من است)، نخست درکاری که کار ندارند، مداخله ننمایند، بگذارند جواسیسی از قماش "حسین"، "صادق" و نوکر سه انجو یعنی آهن زنگ زده بارشان را خودشان حمل نمایند....".

در اینجا توجه نمائید که: "فحشخانه" کدام است؟، سایت " پیام آزادی " و یا سایت "افغانستان آزاد"؟! یعنی سایت ای که نوشته های سراپا توهین، فحاشی، توطئه گری و اتهام زنی موسوی، خالقداد را به نشر می رساند. در همین فحشنامه اخیر موسوی که بتاريخ (16) اکتوبر 2012 زیر نام " خالقداد پغمانی" علیه من نشر کرده است؛ که علاوه بر چندین مورد توهین و تحقیر و فحاشی بر من؛ با کمال بی وجدانی و بی شرافتی به خواهر و مادر و زن و دختر من هم فحاشی کرده است؛ خالقداد(موسوی) به پدر و پدر کلانم دشنام داده است، به من جیره خور غرب امپریالیستی گفته است و مانند یک اوباش کوچک بازاری دشنامها و فحاشیهای دیگری مطابق به شخصیت و فرهنگ خودش بر من حواله کرده است. او در همین نوشته مرا "جاسوس" خطاب کرده و نسبتهای زشت دیگری نیز به من داده است.

من به پدر و مادر و خواهر و زن و دختر خالقداد(موسوی) هرگز بی حرمتی نمی کنم؛ چرا که آنها در این میان هیچ تقصیری ندارند. همین فحاشیهای که این عنصر سفیه و فاقد شرافت انسانی علیه (پدر و مادر و خواهر و زن و دختر) من کرده است در حقیقت به (پدر و مادر و خواهر و زن و دختر) خودش رواداشته است. در محل مادر افغانستان درباره چنین افراد می گویند: کسی که به پدر و مادر و خواهر و زن و دختر کسی فحش می گوید، خودش نه پدر و مادر دارد، نه خواهر و زن و نه دختر و نه "ناموس"! در مورد فحاشی دیگر خالقداد(موسوی) باید بگویم که "بی ناموس" و توله سگ اوصاف شخصی و ذاتی خودت است. و اگر نمی بود، توله کوچک اوباش، چنین نسبتهای سخیف و دور از اخلاق و ادب انسانی را به من نمی دادی. فحاشیهای اخیر خالقداد موسوی اینرا بیش از پیش ثابت ساخت که "جرح و کسر شخصیتی" این عنصر فحاش بسیار عمیق است و تصوری کند که با غلیظ ترین فحاشیها می تواند بیماری روانی و شخصیتی مزمن و حالت هستریک خود را تسکین بخشد. باز هم موسوی بتاريخ(24) اکتوبر همین صفت ذاتی اش(توله سگ) را به من نسبت داده است. همه انسانهای با شرف و با وجدان و با فرهنگ اینرا می دانند که این دشنامهای سخیف بمن ربطی ندارد و برمی گردد بخود این عنصر فرومایه و هرزه.

موسوی این خادم امپریالیسم و ارتجاع به من اتهام " جاسوسی" زده است. جاسوس کیست؟ این توبودی که قرار گرفته خودت چند مرتبه خود را "بخطر" انداختی از پشاور به کابل رفتی و " ساما" نی های درون خاد را با اصطلاح خودت " نجات" دادی. بیشتر توضیح نمی دهم. همین حالا به خدمت امپریالیسم و ارتجاع قرار داری. من اگر در (ان جی او) کار کردم کار من معلوم بوده من نیروی کار خود را فروخته ام، در اداره و بودجه (ان جی او) دخلی نداشته ام. یکی از علل عمده ای که موجب انشعاب من از "سازمان پیکار برای نجات افغانستان" گردید، همین فرورفتن عده ای از اعضا و کدرهای سازمان در باتلاق تجارت و ثروت

اندوزی از طریق "ان جی او" داری بود که مستقیماً ناشی از انحراف ایدئولوژیک سیاسی آنها بود که در عمل هم ثابت شد. در اینجا من چگونه "جیره خوار" امپریالیسم بودم! گرچه نمی‌خواهم موضوعات تکراری را بازگو نمایم؛ ولی در برابر اتهامات دروغین و فحاشیهای این شرفباخته بالاجبار باید باین حقایق اشاره نمایم. آقای موسوی! تسلیم طلب و نواله خور سوسیال امپریالیسم روسی و دولت مزدور خلقی پرچمیها توودیگر همپاله هایت بودید. به اسناد "کمیسون تحقیق و بررسی تسلیم طلبی" ساما" مراجعه کن. اینزایم گویند جیره خواری امپریالیسم و خیانت به خلق و میهن؛ نه اینکه اگر من بر اساس مسلک خود دریک "ان جی او" کار کردم و فقط در بدل کار خود حقوق گرفتم.

خوانندگان محترم توجه نمایند:

شما طی این مدت نوشته های زیر نام موسوی و خالقداد (موسوی) را علیه من و پاسخیهای مرا علیه او مطالعه کرده اید. موسوی در نوشته دوم اش مرا تهدید به دشنامهای رکیک کرده بود و بعد زیر نام عاریتی "خالقداد پغمانی" رکیک ترین دشنامها را به من حواله کرد. بعد از پاسخ من در برابر این فحاشیهایش، موسوی زیر پوشش همین نام عاریتی با پست ترین و وقیحترین شیوه و با کمال بی شرفی به من و اعضای فامیل من فحاشی نمود که در برابر اگراف فوق به آنها اشاره کردم. و این سگ هار امپریالیسم و ارجاع در این نوشته هر چه بیشتر شخصیت اصلی اش را بر ملا نمود. من در برابر تمام توهین و تحقیر و کنایه های ردیالانه و اتهامات دروغین و حملات خصمانه این عنصر پست فطرت باز هم برخورد سیاسی کردم. ولی این شیاد حیلہ گر جسور تر شده و به من و اعضای فامیل من بیشتر فحاشی نمود. نوشته اخیر خالقداد (موسوی) هیچ شکی باقی نگذاشت که این یاوه گوی لچر کوچکترین حرمتی به پدر و جد و مادر و خواهر و زن و دخترش قابل نیست. و اگر چنین نمی بود بهیچ صورتی متوسل به این گونه فحاشیها و هتاکیها نمی شد. اینرا دیگر همه خوانندگان می دانند که من در برابر چه قماش عنصری قرار دارم. اگر فردی هر قدر هم دارای انحراف فکری و سیاسی باشد ولی مانند موسوی در پرتگاه سفاهت، بی شخصیتی و مزدوری سقوط نکرده باشد؛ هرگز به منتقد و یا مخالف سیاسی اش با چنین لحنی فحاشی نمی کند. فحاشی نمایندگی از ضعف شخصیت و انحطاط اخلاقی این ننگ جنبش چپ کشوری نماید و توطئه گری و تخریبکاری و اتهام بستن به منسوبین جنبش انقلابی پرولتری (م ل م) کشور از جمله وظایف این عنصر ضدانقلابی و جاسوس امپریالیسم و ارتجاع است.

موضوع دیگر اینکه: طی بیش از یکسال اخیر این کاملاً محقق شده است که متصدیان سایت "افغانستان آزاد" بدون احساس هیچ گونه مسئولیت وجدانی و وظیفوی و بدون رعایت نورمهای قبول شده در مورد پالیسیهای نشراتی؛ نوشته های بنام موسوی و خالقداد، موسوی و یا به نامهای دیگر که سراپا فحاشی و دشنام، توهین و تحقیر اند علیه منسوبین جنبش انقلابی (م ل م) کشور در این "سایت" به نشر می رسانند. و این سایت به تریبون فحاشی و یاوه گوئیهای موسوی یا موسوی خالقداد مبدل شده است. ولی متصدیان این سایت طی این مدت کوچکترین عکس العملی در برابر این همه فحاشیها، هتاکیها، استعمال کلمات رکیک و افتراآت، موسوی، خالقداد (موسوی) نشان نه داده اند. در این مورد از موسوی که عامل اصلی این جریان است انتظاری جز این نیست؛ در اینجا روی سخنم به دیگر متصدیان این سایت است. اوشان مسئولیت نشر این گونه نوشته هار ابعده دارند و روزی پاسخ خواهند داد. و احیاناً اگر به موارد فحاشیهای موسوی، خالقداد موسوی موافقت نداشتند و یا ندارند؛ پس چرا در برابر این اعمال ناشریفانه آن عکس العمل نشان نمی دهند؟! تا جایی که به موسوی مربوط است او با این حملات خصمانه علیه فعالین جنبش انقلابی (م ل م) نوکری و جاسوسی خود را به امپریالیسم و ارتجاع به اثبات می رساند. موسوی با حیلہ گری و شارلتان مآبی "مظلوم نمائی" کرده و کاذبانه صحبت از این دارد که گویا من به او "فحش" داده ام تا بزعم اش از این طریق فحاشیهای خودش را "توجیه کند. در حالیکه من در هیچ موردی به موسوی دشنام نداده ام و دشنام دادن کار افراد او باش و بی فرهنگ است. من همیشه در برابر اتهامات دروغین، برچسبها، توهینها و حملات اپورتونیستی موسوی، خالقداد مطابق به فرهنگ و اخلاق پرولتری ام پاسخ گفته ام. قبل از این هم چون من با شناختی که از طرز تفکر و نظریات ضدانقلابی موسوی حاصل کرده بودم و فحاشیهای او را به شخص دهقانپور و اعضای خانواده اش مشاهده کردم؛ هیچگاهی با او وارد بحث "سیاسی" نه شده ام؛ زیرا موسوی ارزش بحث سیاسی را نداشت و ندارد. اما زمانیکه موسوی

حملات اپورتونیستی و خصمانه را علیه گذشته "سازمان پیکار...." و من آغاز کرد لاجرم من در نوشته هایم به افتراآت، توطئه گریها و فحاشیهای او پاسخ داده و از مواضع خود دفاع کرده ام. ولی موسوی این عنصر سفله و جبون خود را زیر نامهای عاریتی مختلف پنهان کرده و فحاشی می کند. هویت اصلی موسوی عیان است او دشمن کمونیسم انقلابی است و از او جز این انتظاری نمی رود. مورد فحاشی و ناسزاگویی دشمنان طبقاتی قرار گرفتن موضوع عجیبی نیست مردم ما همه روزه مورد توهین و تحقیر و فحاشیهای امپریالیستهای اشغالگر و دولت مزدور و نوکران رنگا رنگ آنها قرار می گیرند و به "ناموس" آنها هتاک و فحاشی می شود. موسوی با جنبش (م ل م) انقلابی و اعضای آن کینه و عداوت خاصی دارد و به امپریالیسم و ارتجاع عهد بسته است که در تخریب این جنبش و فحاشی به فعالین آن هرگز کوتاهی نخواهد کرد و هر چه از نا سزاگویی و فحاشی در چانه دارد در فحشخانه اش به نشر می رساند. اگر چه ادامه با این عنصر ضد انقلابی، بی فرهنگ و فحاش و مزدور خلاف شأن و حیثیت جنبش انقلابی پرولتری است. اما اگر او باز هم به همین شیوه به فحاشیها و دشنامهای رکیک اش ادامه بدهد، ما مجبور خواهیم بود تا از این بیعد با زبان دیگری با این عنصر فرومایه حرف بزنیم.

26 اکتوبر 2012

(پولاد)